«جهانی شدن: تهاجم جدید علیه جهان سوم»

نقد تحلیلی از علی بغدادی

سردبیر مجلهٔ عرب ژورنال، شیکاگو

منبع: اینترنت

ترجمه: حمید تقوی‌پور

جهانی شدن واقعیت است

در جهان دیگری که متکی بر اصول عدالت، صلح و برابری است و منشور ملل متحد و قوانین بین‌المللی در آن محترم شمرده می‌شود و در آن فرهنگ‌ها همزیستی و تعامل دارند، جهانی شدن می‌توانست نقش مهمی را در مبارزه علیه فقر، بیماری، آلودگی، اعتیاد، تروریسم و غیره ایفا نماید. انقلاب نیرومند علمی و ساختار با ابهت فناوری تمامی این موارد را ممکن می‌ساخت.

اما در جهانی که ما امروز در آن زندگی می‌کنیم، یعنی جهان تک قطبی، این تصویر کاملاً برعکس است. پس از جهانی شدن نحوهٔ تولید، «جهانی شدن» به عنوان بزرگ‌ترین چالش فراروی انسان‌ها در همه جا و به عنوان پدیده‌ای با عواقب وخیم برای مردم جهان سوم به واقعیت گریزناپذیری تبدیل شده است. این عصر با فروپاشی اتحاد شوروی، تصرف چاه‌های نفت عربی، تجزیهٔ یوگسلاوی و تحمیل ارادهٔ امریکا بر اکثر مردم و حکام جهان آغاز گردید. بنابراین جهانی شدن، نظام سرمایه‌داری ویژه‌ای است که

امریکا هدایت می‌کند و می‌توان آن را «امریکایی شدن» نیز قلمداد کرد.

جهانی شدن چیست؟

جهانی شدن راهبرد اقتصادی مشخص و بخصوصی است که توسط دولت‌های ثروتمند صنعتی تدوین و بر جهان دیکته می‌شود تا منافع شرکت‌های بزرگ را که شرکت‌های فراملیتی یا چندملیتی نامیده می‌شوند، تأمین نماید. هدف این راهبرد باز کردن بازارهای کشورهای جهان و دادن منابع طبیعی و ثروت این کشورها به این شرکت‌ها بدون هرگونه محدودیت، مانع یا شرط است.

جهانی شدن، هماهنگی در تولید، طراحی، بازاریابی و امکان‌های مدیریتی چندگانه با هدف انحصاری کردن بازار بین‌المللی در سراسر دنیاست. این کار به نفع سرمایه‌داران ماورای بحار صورت می‌گیرد که مالک منابع و تجهیزاتی هستند که بسیار بیشتر از منابع و تجهیزات بسیاری از حکومت‌ها و بانک‌های مرکزی است و تولید آنها برای تأمین نیازهای بازارهای جهانی و نه فقط بازارهای محلی یا منطقه‌ای صورت می‌گیرد که نمونهٔ آن شرکت‌های چند ملیتی هستند.

[شرکت‌های چند ملیتی ممکن است کل یک محصول را در یک کشور به خصوص تولید نمایند. از سوی دیگر شرکت‌های فراملیتی یک واحد جدید بین‌المللی نیروی کار را به کشورهای بخصوصی ارائه کرده‌اند که سازندهٔ قطعات یا لوازم محصولاتی هستند که در مکان دیگری مونتاژ می‌گردند.]

جهانی شدن مبین این امر است که دولت‌های مستقل به تدریج حق خود را برای ادارهٔ امور اقتصادی و توسعهٔ منابع خود را به این شرکت‌ها واگذار نمایند. جهانی شدن هم‌چنین به این مفهوم است که سیاست اقتصادی، امنیت غذایی و مصونیت غذایی باید جزء حوزهٔ اختیارات تجار و سرمایه‌گذاران دولت‌های ثروتمند قرار گیرند. حکومت‌ها و یا نهادهای بین‌المللی و حتی سازمان ملل متحد نیز نباید این جرئت را به خود بدهند که فعالیت‌ها یا قدرت آنها را به پرسش گیرند.

بدین ترتیب جهانی شدن به مفهوم دخالت در امور داخلی دولت‌های جهان سوم و کنار گذاشتن هرگونه قانونی است که از تجارت آزاد مطابق آنچه شرکت‌های چند ملیتی صلاح می‌دانند، ممانعت می‌کند بدون آن که ثبات اجتماعی و حاکمیت این دولت‌ها را در نظر بگیرد.

رکود اقتصادی بالقوه در جهان سوم

جهانی شدن علاوه بر تأمین منافع شرکت‌های بزرگ که سیاست‌مداران و آرای دولت‌های صنعتی را در اختیار دارند، به حل مشکل رکود اقتصادی این دولت‌ها کمک می‌کند، چرا که آنها به دنبال یافتن بازارهای تازه و قدرت انحصاری در کشورهای جهان سوم هستند. بدین ترتیب رشد مستمر در درآمد ملی را برای ساکت نمودن شهروندان خود به هزینهٔ جهان سوم تأمین می‌نمایند.

روش‌های اجرا

ایالات متحده برای تبلیغ جهانی شدن، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و کمک‌های به اصطلاح خارجی را به همراه ملوّث‌ترین و وحشیانه‌ترین روش‌ها به کار می‌گیرد. جنگ‌های داخلی، نزاع‌های قومی و نژادی، تروریسم، آدم‌کشی، تحریم‌های اقتصادی، گرسنگی، اشغال کشورها، استفاده از ناوگان‌های دریایی، هواپیماهای جنگی و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما از جملهٔ این موارد هستند. علاوه بر اینها امریکا محصولات کشاورزی را مسموم کرده و می‌سوزاند و آفات به وجود آمده از طریق روش‌های ژنتیکی در آزمایشگاه را پراکنده می‌سازد تا گله‌ها را از بین برده، اقتصاد را نابوده کرده و مردم کشورهایی را که خواهان استقلال و حفظ ثروت‌های خود هستند، گرسنه نگه دارد.

امریکا هم‌چنین علیه (دوستان) خود پس از خاتمه یافتن نقش آنان توطئه می‌کند و این کار را از طریق حمایت از گروه‌های مخالف آنها و آماده ساختن این گروه‌ها برای جایگزینی یا ایجاد وحشت به هنگام نیاز برای اطمینان از وفاداری عوامل خود انجام می‌دهد.

مسخره است که امریکا که ادعای مردم سالاری دارد، از حقوق بشر دفاع می‌کند و خواستار شکیبایی مذهبی است، از تمامی روش‌های غیراخلاقی و غیرانسانی علیه هر دولتی که سلطهٔ جهانی شدن را انکار نماید استفاده می‌کند و همزمان نسخهٔ ویژه‌ای از اسلام را که خود طراحی نموده ارائه می‌دهد.

مثال‌هایی از قدرت جهانی شدن

با تماشای تلویزیون و مطالعهٔ روزنامه‌ها می‌توانیم فشارها، و جُرم‌های حاصل از جهانی‌شدن را مشاهده نماییم. به عنوان مثال:

۱. جهانی شدن، حکومت گواتمالا را وادار نمود تا قانونی را لغو کند که شرکت آمریکایی تولید غذای بچهٔ «ژربر» را از تبلیغ ادعای کذب منع می‌کرد. این شرکت در تبلیغات تجاری خود ادعا می‌کرد که غذای تولیدی این شرکت برای اطفال بهتر و مغذی‌تر از شیر مادر است.

۲. تایلند مجبور شد از ترس مخالفت ایالات متحده تولید داروهای ارزان قیمت برای معالجهٔ بیماران مبتلا به ایدز را متوقف نماید.

۳. شرکت نفتی شل فروش سالانه‌ای معادل ۶۸ میلیارد لیرهٔ ـ استرلینگ دارد که معادل دو و نیم برابر مجموع درآمد مردم نیجریه است که ۱۱۰ میلیون نفر جمعیت دارد.

۴. ۶۰٪ تجارت موز تنها توسط سه شرکت کنترل می‌شود.

۵. شرکت‌های چند ملیتی و فراملیتی که امروزه تعداد آنها به ۵۱ شرکت می‌رسد، حدود دو سوم تجارت جهانی را در کنترل خود دارند. [بر اساس تعاریف مختلف بالغ بر ۲۵۰ تا ۷۵۰ شرکت از این نوع وجود دارد که حدود نیمی از آنها در ایالات متحده مستقرند.]

جهانی شدن و تمدن‌های بشری

یکی از پیامدهای جهانی شدن پایان تنوع فرهنگی و پیروزی فرهنگ تک‌قطبی است که شرکت‌هایی که رسانه‌ها را در مقابل فرهنگ‌های سایر ملل در انحصار خود دارند تبلیغ می‌کنند و نتیجهٔ آن انقراض فرهنگ‌های باستانی است که از بیش از هزاران سال پیش بر جای مانده است.

امروز جهان از طریق رسانه‌های جهانی شده، مارک‌های تجاری امریکایی را می‌شناسد، فیلم‌های امریکایی تماشا می‌کند، به موسیقی امریکایی گوش می‌دهد، به لهجهٔ امریکایی صحبت می‌کند، به سازهای امریکایی می‌رقصد، لباس‌جین امریکایی می‌پوشد از عطر امریکایی استفاده می‌کند، کوکاکولا، پپسی‌وقهوهٔ‌امریکایی نوشیده و غذای بی‌خاصیت امریکایی تناول می‌کند.

هم‌زمان با این کار صهیونیست‌ها فلافل، هوموس، باقلوا و سایر غذاهای عربی را به عنوان غذاهای یهودی به مردم جهان می‌فروشند.

مدافعان جهانی شدن چهره‌ای جذاب از آن ترسیم می‌کنند

حکومت و رسانه‌های امریکا و «دوستان» امریکا در سراسر جهان که همگی با هم به نفع شرکت‌های چند ملیتی و فراملیتی کار می‌کنند، چنین القا می‌کنند که ثمره‌های جهانی شدن، به همراه آثار جادویی و نامرئی آن همه کشورها را بهره‌مند خواهد نمود. آنها ادعا می‌کنند که جهانی شدن تأمین غذا، دارو، و آموزش را برای کلیهٔ ملل و به خصوص مردم جهان سوم به همراه خواهد داشت و رفاه، مردم‌سالاری و عدالت اجتماعی را در میان کلیهٔ افراد بشر ترویج خواهد نمود. آنها حتی می‌گویند که جهانی شدن حقوق بشر را بهبود بخشیده و چرخ‌های توسعه را به جلو رانده و همچنین محیط زیست را حفظ کرده و مشکلات آلودگی را حل خواهد کرد!

بوق‌های جهانی شدن آینده‌ای را نوید می‌دهند که دیگر شاهد وجود برنده یا بازنده‌ای نخواهد بود، چرا که همگی برنده بوده و در زیر چتر جهانی شدن از تمام نعمت‌ها متمتع می‌شوند!

پیش‌نیازهای جهانی شدن

برای رسیدن به این مزایای ادعایی، حامیان جهانی شدن خواستار این هستند که جهان سوم دست به کاری بزنند که به گفتهٔ آنان اصلاحات اقتصادی است، بازارهای خود را باز کنند، تجارت آزاد را انتخاب کنند، بخش‌های دولتی را خصوصی نمایند و مقررات و قوانینی را که از محیط زیست و تولید محلی حمایت می‌کنند لغو نمایند و هم‌چنین مالیات سرمایه‌گذاران ثروتمند را کاهش دهند.

حتی کانال سوئز را که بسیاری از نیروهای کارگرعرب در گودال‌های آن جان سپردند و بسیاری از نبردها و انقلاب‌ها برای بازپس‌گیری و صیانت از آن صورت گرفت و سرانجام به وسیلهٔ عبدالناصر آزاد شد تا به کلیهٔ اعراب خدمت نماید، اکنون بدون هیچ جدالی و فقط به نفع جهانی شدن از دست می‌دهیم!

چهرهٔ واقعی جهانی شدن

بلندگوها با تمام قدرت سعی می‌کنند که از طریق رسانه‌ها و سایر ابزارهایی که در اختیار دارند، حقیقت و منطق جهانی شدن را پنهان نمایند. آنها سعی می‌کنند که در مورد شکاف فزاینده بین غنی و فقیر و در میان شهروندان یک کشور یا بین شهروندان کشورها سخن نگویند. آنها سعی می‌کنند که در مورد مصیبت‌های عظیم حاصل از جهانی شدن یعنی فقر، آلودگی محیط زیست، بیماری، مهاجرت، از بین رفتن منابع طبیعی، جنایت، خشونت، ریشه کن شدن فرهنگ‌های بومی و انقراض هزاران گونهٔ زیستی صحبت نکنند.

مهندسی ژنتیک و کشاورزان کوچک

بذرهای تولیدشده در آزمایشگاه‌ها و کارخانه‌های شرکت‌های بزرگ که صادرات و فروش آن در کنترل این شرکت‌هاست، گران‌تر از آن است که کشاورزان کوچک که میزان غذای مصرفی روزانه خود و همشهریان خود را از طریق روش‌هایی که در طول هزاران سال بر جای مانده تأمین می‌کنند، بتوانند آن را خریداری نمایند. این بذرها از طریق تغییر خواص و خصوصیات آنها و از طریق دستکاری ژن‌های آنها به شکلی درآمده‌اند که نمی‌توانند بذرهای جدید را برای کشاورزان در سال‌های بعدی تولید نمایند. به عنوان مثال سیب‌زمینی‌های تازه تولید ژن‌هایی را حمل می‌کنند که از کرم ابریشم، مرغ، ویروس‌ها و

باکتری‌ها گرفته شده‌اند. گوجه‌فرنگی نیز از ژن‌هایی به وجود می‌آید که از ماهی‌های فلاندر گرفته می‌شود. انواع دیگری از بذرها هستند که ژن‌های آنها از موش‌ها گرفته شده‌اند.

مفهوم آن این است که کشاورزانی که در گذشته بذرهای خود را تولید می‌کردند مجبور خواهند بود که در آینده متکی به لطف این شرکت‌ها باشند که به‌جز منفعت به چیز دیگری نمی‌اندیشند. در نتیجه مالکیت زمین که در طول هزاران سال به ارث رسیده است به شرکت‌های بزرگ خارجی منتقل خواهد شد که این بذرهای جدید را در اختیار دارند. نتیجهٔ این امر فقر بیشتر، قحطی، ناآرامی و شورش‌هایی است که دنیا قبلاً نظایر آن را هرگز شاهد نبوده است.

مفهوم جهانی شدن هم‌چنین این است که ۴۰۰ میلیون نفر که تنها در هند در بخش کشاورزی به کار مشغول‌اند تهدید می‌شوند چرا که اگر دولت آنها تسلیم فشار شدید این شرکت‌ها قرار گیرد، بذرها فقط از طریق عملیات ژنتیکی تأمین خواهد شد.

جهانی شدن و تولید محلی

جهانی شدن و سیاست تجارت آزاد منجر به ارسال غیرضروری کالاها به مسافت هزاران کیلومتر و از بین بردن صنایع محلی در جهان سوم می‌شود. آنها نابودکنندهٔ منابع مردم فقیری هستند که توان رقابت با کالاهای خارجی را ندارند که معمولاً مستقیم یا غیر مستقیم از طریق کاهش مالیات، تشویق‌های صادراتی، نیروی کار ارزان و پرداخت‌های دولت در زمینهٔ تحقیق و توسعه حمایت می‌شوند.

در نتیجه، جهانی شدن حتی مشکل تغذیه یا گرسنگی را حل نخواهد کرد، بلکه در عوض کشاورزی محلی را نابوده کرده و یا آن را به صورت محصولاتی درمی‌آورد که فقط برای مقاصد صادراتی تولید می‌گردند.

شکاف بین غنی و فقیر رو به افزایش است

این ادعا که مَد ایجاد شده توسط جهانی شدن کلیه قایق‌ها را بالا می‌برد و آنها را به حرکت درمی‌آورد کاملاً بی‌اساس است، حقیقت این است که این مَد قایق‌های تفریحی ثروتمندان را بالا می‌برد و قایق‌های فقرا را می‌بلعد.

بیچارگی و فقر حتی در امریکا رو به افزایش است! و ثروت ثروتمندان که در عین حال در اقلیت قرار دارند نیز رو به افزایش است! بر طبق آمارهای محافظه‌کارانهٔ منتشر شده از سوی سازمان ملل متحد، میانگین درآمد ۱/۳ میلیارد نفر از مردم که یک چهارم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند کمتر از یک دلار در روز است. آنها آب آشامیدنی سالم در اختیار ندارند. صدها میلیون نفر از مردم در آستانهٔ سقوط به زیر خط فقر مطلق هستند، در عین حال یک سوم کودکان دچار سوء تغذیه‌اند و نیمی از جمعیت جهان از داروهای ضروری محروم‌اند. علاوه بر آن ۳۰٪ نیروی کارگری بیکارند و میلیون‌ها نفر دیگر به لحاظ رقابت شدید و هم‌زمان با ادامهٔ کنترل بخش فزاینده‌ای از فناوری و تولید از سوی دولت‌های ثروتمند، به زودی به آنها ملحق خواهند شد. بیش از ۸۰ کشور در جنوب وجود دارند که درآمد فردی در آنها امروزه کمتر از میزان درآمد در ده سال پیش است!

از سوی دیگر تعداد میلیادرهای جهان به رقم ۳۵۸ رسیده است که مجموع ثروت‌های آنها بیشتر از ثروت ۲/۵ میلیاردنفر از مردم فقیر است. امروزه ۲۰٪ جمعیت جهان صاحب بیش از ۷۰٪ ثروت جهان بوده و ۸۶٪ مصرف جهان را انجام می‌دهند حال آن که ۲۰٪ مردم جهان تنها ۱/۳٪ مصرف را دارند.

ایالات متحده

حتی در ایالات متحده نیز که رهبر و مجری جهانی شدن است، سیاست اقتصادی که در حقیقت توسط مقامات شرکت‌های بزرگ ترسیم می‌گردد، هم‌چنان شکاف بین فقیر و غنی را افزایش می‌دهد. هدف شرکت‌های بزرگ امریکایی تنها منفعت است، آنها به قربانیان سیاست‌های خود، خواه همشهریان خودشان باشند و خواه مردم خارج، اهمیتی نمی‌دهند. در فاصلهٔ بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۳ تعداد مستخدمانی که مشاغل خود را در ۵۰۰ شرکت از دست دادند ۴ میلیون نفر بود، و همزمان حقوق مدیران و مقامات اجرایی این شرکت‌ها تا بیش از ۶ برابر افزایش یافت.

همانند کانادا، ایتالیا و بریتانیا، ۲۰٪ جوانان امریکایی بین سنین ۲۰ تا ۲۴ سال فاقد شغل و تحصیلات هستند.

امروزه خانواده‌های امریکایی در حال از هم پاشیدن هستند چرا که سرپرست خانواده برای تأمین هزینه‌های خانه، اتومبیل، صورت‌حساب‌های مصارف عمومی و بسیاری از اقلام ضروری که هر روز وارد بازارها شده و غالباً در حال تغییر و جایگزینی هستند، مجبور به بردگی در مکان‌های دوردست است. این موارد با شست‌وشوی مداوم مغزی که از طریق تلویزیون نسبت به امریکایی‌ها و دیگران اعمال می‌گردد به ضرورت تبدیل شده است.

شکاف بین غنی و فقیر هم‌چنان در حال رشد است چرا که ۹۵٪ ثروت‌های ملی در اختیار ۵٪ مردم قرار دارد در حالی که درآمد ۲۰٪ فقیرترین مردم امریکا مرتباً از سال ۱۹۷۰ در حال کاهش بوده است. وضعیت افریقایی‌های امریکایی هم‌چنان وخیم‌تر می‌شود و دلیل آن این است که

جامعهٔ امریکایی هم اکنون به دو گروه نابرابر سیاه‌پوستان و سفیدپوستان تقسیم می‌گردد.

جهان فاقد عدالت است نه غذا

رهبران و حامیان جهانی شدن، رفع مشکل گرسنگی را دستاویزی برای پنهان کردن اشتباهات و نقایص خود قرار داده و ادعا می‌کنند که جهانی شدن درمان کنندهٔ این وضعیت است. آمارها نشان می‌دهد که ۸۰۰ میلیون نفر از مردم در سراسر جهان دچار گرسنگی‌اند چرا که در فقر مفرط به سر می‌برند و هیچ چیز از آنها در مقابل ثروتمندان حمایت نمی‌کند. بسیاری فاقد زمین جهت کاشت و برداشت هستند و در عین حال کشاورزان کوچک قادر به خرید ماشین‌آلات نبوده و در نتیجه زمین‌های خود را از دست می‌دهند. از هر ده کودک در کشورهای جهان سوم هشت نفر به‌رغم انباشته شدن مقادیر بسیار فراوان مواد غذایی، به سوء تغذیه دچارند.

در برزیل، یعنی کشوری که موادغذایی صادر می‌کند، سالانه یکصد هزار کودک از گرسنگی می‌میرند.

آنچه خنده‌دار و در عین حال دردآور است این است که در حالی که دنیا شاهد مرگ صدها هزار مرد و زن و کودک اتیوپیایی در اثر قحطی وحشتناکی بود که در سال ۱۹۸۴ این کشور به آن دچار شد، بهترین زمین‌های مناسب کشاورزی در این کشور برای کشت علوفه مورد استفاده قرار می‌گرفت و می‌گیرد. این علوفه به بریتانیا و سایر کشورهای اروپایی صادر می‌شود و این حقیقتی است که غرب سعی در پنهان ساختن آن دارد.

حتی هند که یکی از بزرگ‌ترین مردم‌سالاری‌های دنیا را دارد در طول سال ۱۹۹۵ پنج میلیون تن برنج و ۶۲۵ میلیون دلار گندم و آرد صادر کرد، حال آنکه ۲۰٪ جمعیت هند گرسنه هستند.

در مغولستان، یعنی کشوری که مردم آن هزاران سال از محصولات لبنی محلی خود استفاده می‌کردند و اکنون بیش از ۲۵ میلیون حیوان شیرده در اختیار دارد، محصولات لبنی آلمان بیشترین مصرف را دارند. در کنیا بهای کرهٔ هلندی نصف قیمت کرهٔ محلی است.

عادی‌سازی روابط با صهیونیست‌ها

علاوه بر سایر انگیزه‌های سیاسی، عادی‌سازی روابط بین دولت‌های عرب و صهیونیست‌ها یکی از مهم‌ترین اهداف جهانی شدن است.

حقوق ماهانهٔ یک کارگر زن اردنی در کارخانه‌های اسرائیلی که در سراسر شهر صنعتی الحسن نزدیک اربید در شمال اردن قرار دارند کمتر از حقوق روزانهٔ یک کارگر زن اسرائیلی در طرف دیگر رود اردن است.

اگر چه تراز تجاری بین امریکا و مصر به نفع ایالات متحده است، اما واشنگتن از مصر می‌خواهد که تل‌آویو از طریق پروژه‌های مشترک بر اقتصاد به اصطلاح خاورمیانه مسلط گردد. این بهایی است که مصر باید جهت بالا بردن سقف صادرات محصولات نساجی خود به ایالات متحده بپردازد. در عین حال امریکا از پذیرفتن درخواست‌های مصر برای عادی‌سازی روابط اقتصادی با صهیونیست‌ها به صورت همزمان با پیشرفت روند به اصطلاح صلح سرباز می‌زند.

پول اعراب برای جهانی شدن هزینه می‌شود

با وجود سقوط قیمت‌های نفت و چپاول ثروت اعراب از طریق فروش سلاح‌های از رده خارج شده، پروژه‌های غلط و سایر روش‌های فریبکارانه، میزان سرمایه‌گذاری‌های عربی در اقتصادهای غربی به ویژه در اقتصاد امریکا و بریتانیا به حدود چهارصد تا ششصد میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. در عین حال اکثر دولت‌های عربی از جمله بیشتر دولت‌های عربی خلیج (فارس) برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی و تأمین کسری بودجه خود از غرب استقراض می‌نمایند. این دولت‌ها، پول‌های عربی را با نرخ‌های بهرهٔ بسیار بالا از بانک‌های خارجی قرض می‌گیرند.

به عنوان مثال:

۱ـ ذخیره‌های عربستان سعودی در ده سال پیش افزون بر ۱۷۰ میلیارد دلار بود. امروزه این پادشاهی در زمره کشورهای استقراض کننده قرار گرفته و بدهی آن ۱۷۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. استقراض این کشورها از بانک‌های محلی بیش از ۱۴۰ میلیارد دلار است.

۲ـ ریاض چند روز قبل دو میلیارد دلار از بانک‌های خارجی استقراض نمود تا صرف خرید هواپیماهای مسافربری نماید. این بخشی از معامله‌ای است که قرارداد آن در سال ۱۹۹۵ با شرکت‌های هواپیمایی بوئینگ و مک دانل داگلاس جهت نوسازی هواپیماهای مسافربری عربستان بسته شده و مبلغ آن ۷/۵ میلیارد دلار است. عربستان یکی از بهترین ناوگان‌های هواپیمایی مسافربری را در جهان دارد که نیاز به نوسازی بیشتر نداشته و در اکثر پرواز، بسیاری از صندلی‌ها خالی هستند.

جهانی شدن و بانک‌های اسلامی

جهانی شدن از هر چیزی که بتواند به نفع خود استفاده می‌کند. این نظام تأمین‌کنندهٔ خدمات بانکی و سرمایه‌گذاری است که ادعا می‌شود بر پایهٔ نظریات اسلامی است و این خدمات را بدون تفاوت قائل شدن

بین بنیادگرا و غیربنیادگرا در اختیار هر مسلمان قرار می‌دهد و اهمیت نمی‌دهد که آیا مشتری تروریست است یا خیر. مجموع سودهای گروه سیتی بانک به تنهایی در سال گذشته ۵/۹ میلیارد دلار بود که بیشتر آن از جیب افرادی خارج شده که بر معامله با پول حلال (شرعی) اصرار داشته و شهادت می‌دهند که «خدا فقط یکی است و محمد فرستادهٔ خداست.»

حقیقت اجتناب‌ناپذیر

چه بپذیریم و چه نپذیریم جهانی شدن واقعیتی است که در مقابل چشمان همهٔ ما اتفاق می‌افتد. سرمایه‌گذاران دولت‌های ثروتمند میلیاردها دلار در طول قرن نوزدهم در کشورهای فقیر هزینه کردند که جاده و فرودگاه بسازند، صنعت حمل و نقل را به وجود آورده و معادن را کنترل نمایند تا بتوانند از آنها استفاده کنند.

راه چاره برای اعراب و مردم جهان سوم چیست؟

جای تأسف است که بگوییم که به دلیل عقب ماندگی و بسیاری از تضییقات دیگر که توانایی‌های مردم جهان سوم را نابود می‌کند، هیچ‌گونه راه حل سریع و آسانی برای کمک به مقاومت در برابر شیطان جهانی شدن وجود ندارد. در تصورات این کشورها در مورد دولت نوین و نیازمندی‌های آن تحولات ریشه‌ای داخلی و خارجی و تغییرات اساسی باید صورت گیرد. به علاوه این دولت‌ها باید با یکدیگر متحد شده و نیروهای خود را به صورت واحد درآورند تا بتوانند قدرت «نه» گفتن یافته و سرنوشت خود را در اختیار بگیرند. در غیر این صورت این کشورها و دولت‌ها که عرب‌ها را نیز در برمی‌گیرد در چهارچوب جهانی شدن بازنده خواهند بود. ما به عنوان عرب‌هایی که در دنیایی زندگی می‌کنیم که امروزه به عنوان یک دهکدهٔ بین‌المللی یا یک دنیای کوچک از آن یاد می‌شود، دیگر نمی‌توانیم در انزوا و خفقان زندگی کنیم. ما نمی‌توانیم به عنوان یک کشور عرب یا مسلمان زندگی کنیم و با چالش‌های جهانی شدن روبه‌رو شویم و نوای نخستین امیرنشین‌ها، سلطان نشین‌ها و پادشاهی‌های شکنندهٔ ایجادشده توسط امپریالیسم را بدون داشتن شانس واقعی برای بقا سردهیم.

برای حفظ وجود خود به عنوان اعراب و مسلمانان در مقابل تهاجم اقتصادی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی جهانی شدن، باید از ذهنیت جاری دولت خود که مبتنی بر تعصب، قبیله‌گرایی، دیکتاتوری و جدایی‌طلبی است خلاص شویم. در عوض باید دولتی واحد، منسجم، محکم و مردم‌سالار بنا نهیم که حق حکومت بر مردم را متحقق می‌سازد.

علاوه بر آن به منظور بالا بردن مصونیت و توانایی خود برای مقاومت در مقابل کسانی که به دنبال سرزمین‌های ما به عنوان یک بازار آزاد برای محصولات خود و معدنی از مواد خام هستند، باید از تمامی توانایی‌ها، نبوغ و مهارت‌های ملت‌های خود استفاده نماییم. ما باید دولتی ایجاد نماییم که رهبری آن با مردان و زنان توانا با دانش و تخصص لازم برای رهایی اعراب از جمود فکری و تحقیر ذهن بوده و به حق شهروندان برای انتقاد و ارائهٔ پیشنهاد احترام بگذارد. مخترعان و مبتکران را باید تشویق نموده و به آنها پاداش دهیم. هرگونه کمک جهت انجام تحقیق و توسعه باید در اختیار آنها قرار گیرد.

ما نیاز شدید به دولتی داریم که قادر باشد در مقابل یک پدیدهٔ خطرناک و مخرب که ما اهمیت بسیار اندکی برای آن قائل هستیم، یعنی مهاجرت متفکران و دانشمندان که هر روزه آنها را از دست می‌دهیم مقاومت نماید. در اثر سیاست‌های ما، غرب توانست این مغزهای خلاق را به سوی خود جلب نموده و نیازهای آنها را برآورده سازد. بنابراین ما باید محیط مناسبی را فراهم کنیم که این مغزها را تشویق و ترغیب نماید که به ایجاد و ساخت و ساز یک دولت مقتدر کمک کند که بتواند بر هرگونه نقص یا ضعف چیره شود.

تقریباً هیچ دانشکده یا دانشگاهی در غرب وجود ندارد که فاقد یک استاد عرب باشد و هیچ بیمارستانی نیست که یک پزشک عرب نداشته باشد، یا هیچ شرکت بزرگی نیست که در آن مدیران، وکلا، مهندسان یا کارشناسان عرب حضور نداشته باشند. بسیاری از نویسندگان، شعرا و هنرمندان که ما به آثار آنها افتخار می‌کنیم نیز مجبور شدند سرزمین مادری خود را ترک کرده و از ظلم بگریزند و در جای دیگری به دنبال آزادی بیان باشند. آنها هم‌چنین می‌خواهند آیندهٔ بهتری را برای خانواده‌های خود تأمین نمایند، اگر چه با درد و رنج کلمات زیر را فریاد می‌کنند:

کشور من عزیز است، گر چه با من منصفانه رفتار نکرد.

مردم من مهربان‌اند، گر چه با من به مهربانی رفتار نکردند.

❖